

نقش دانشگاه ها در باز سازی اجتماعی

کرامت احمدی

کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی

Kb.ahmadi2014@gmail.com

اسدالله عباسی

دانشجوی دوره دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

زهره اسماعیلی

استادیار علوم تربیتی پیام نور تهران جنوب

چکیده

یکی از نظریه های مطرح در فلسفه آموزش و پرورش که در غرب تاثیر شگرفی بر آموزش و پرورش و مراکز آموزش دانشگاهی داشته نظریه باز سازی اجتماعی است مطابق این نظریه انسان ها باید به مهندسانی اجتماعی تبدیل شوند که قادر باشند مسیر تحول را طرح ریزی کرده واز علم و فناوری برای نیل به آرمانهای مطلوب بهره گیری نمایند. بر این اساس مراکز آموزشی بایستی مساله مدار ودر بطن مسائل جامعه باشند. همین راستا در این مقاله ابتدا بحران های فعلی جامعه بررسی سپس براساس آنها ۱۴ نقش که دانشگاه ها بایستی بعنوان مراکز اصلی باز سازی اجتماعی برای حل این بحران ها ایفا نمایند بدین صورت پیشنهاد شده است شناسایی، آموزش و هدایت گروه های مرجع جدید در راستای ارزش های مطلوب جامعه، پالایش و بازسازی ارزشهای گذشته و جدید هماهنگ کردن آن با ساخت ارزشی جامع، بازسازی الگوها و متون اسلامی، تقویت حس وابستگی به حاکمیت و عرق ملی، توسعه و آموزش مهارت های زندگی متناسب با عوارض از ناشی از صنعتی و فرا صنعتی شدن، تقویت کرسی های آزاد اندیشی، بازسازی فرهنگ همزیستی بین گروه های مختلف قومی، مذهبی و زبانی، تامین نیروی انسانی مورد نیاز در عصر اطلاعات و فناوری، توسعه نرم افزاری در رسانه های نوین جهانی، نهادینه نمودن رعایت قوانین و مقررات در جوانان و نوجوانان، تقویت هنجارهای دینی و ارزشی و باز تعریف آنها، تقویت نگرش روستا نشینی و در مقابل ایجاد نگرش منفی نسبت شهرنشینی، تهیه طرح جامع روستا نشینی، تغییر نگرش جوانان تحصیل کرده در خصوص کار و شغل.

کلمات کلیدی: بازسازی اجتماعی، بحران، نقش دانشگاه، فلسفه آموزش و پرورش.

مقدمه

ما در جهانی گذران و در حال تغییر زندگی میکنیم که همه چیز مدام در حال تغییر است شاید یکی از علت های این تغییرات قدرتی است که علم به همراه خودش در قرون اخیر بویژه قرن بیست و یکم به بعد برای انسان به ارمغان آورده است. تاریخ پیشرفت بشری در طول سه عصر کشاورزی، صنعت و اطلاعات، سه موج تغییر اساسی در زندگی انسان بوده است. امروز نیز با ورود به عصر مجازی شاهد موج چهارم تغییرات در زندگی بشر هستیم [۱] شک این موج تغییرات اگرچه همراه با رشد و دگرگونی زندگی بشر و ایجاد امکانات و رفاه بیشتر بوده است اما اگر بشر آمادگی پذیرش آنها را نداشته باشد هضم آن بسیار مشکل می نماید و چه بسا از لحاظ فرهنگی و اجتماعی باعث انحطاط و سقوط جامعه بشری شود. بطور کلی رشد تکنولوژیک با فرهنگ، فلسفه اجتماعی و اخلاق رابطه تنگاتنگی با همدیگر دارند. آنها در واقع دو روی یک سکه اند یعنی از یک طرف فرهنگ و فلسفه حاکم زمینه را برای رشد تکنولوژی و فناوری ایجاد میکند و از طرف دیگر هر تکنولوژی فرهنگ و فلسفه خاص خود را میطلبد چنانچه فلسفه عمل گرایی اگر چه خود متاثر از تغییرات تکنولوژیک در جامعه آمریکا بوده است اما موجب شتاب خیره کننده رشد فناوری و تکنولوژی هم در آن جامعه شده است این رشد آنچنان پرشتاب، غیر مترقبه و بحران زا بوده که بعضی از بخش های جامعه نتوانسته اند خود را با آن تطبیق دهند به همین خاطر پذیرای انتقاداتی از جانب اندیشمندان حوزه فلسفه و جامعه شناسی شده است بنابراین چنانچه توسعه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی همگام با توسعه تکنولوژیک نباشد موجب تاخر فرهنگی و در نتیجه شکل گیری بحران در جامعه خواهد شد زیرا هر سستی که در برابر پیشرفت و ترقی بایستد منکوب است نوگرایی و تجدد از صفات طبیعی بشر است به همین خاطر برای پذیرش تغییرات و تحولات آماده سازی اجتماعی بعنوان اولین شرط هر تکنولوژی محسوب می شود این بود که ایده باز سازی اجتماعی به عنوان یک راهکار برای کاهش بحران ه مطرح شد.

باز سازی اجتماعی فلسفه ای است که روی تغییرات اجتماعی در حال شکل گیری تمرکز دارد. هدف عمده این ایده نیل به عدالت و برابری اجتماعی از طریق هوشیار کردن سیستم های اجتماعی و آماده کردن جوامع برای پذیرش تغییر است [۲]. بنابراین یکی از راهکارهای اساسی برای مقابله با بحران های اجتماعی ناشی از توسعه اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیک باز سازی اجتماعی یعنی ایجاد آمادگی در آحاد جامعه بویژه نسل جوان است. از آنجایی که ایجاد آمادگی بایستی از طریق سازمان های آموزشی جامعه شروع و سازماندهی شود بنابراین یکی از رسالت های اصلی آموزش و پرورش و مراکز آموزش عالی و دانشگاه ها باز سازی اجتماعی است که در این مقاله سعی شده به بررسی نقش دانشگاه ها در باز سازی اجتماعی در جامعه ایران پرداخته شود.

نظریه باز سازی اجتماعی

این فلسفه تربیتی را می توان از شاخه های عمل گرایی و پیشرفت گرایی به شمار آورد زیرا محور اصلی آن تأکید روی تغییر است. طرفداران بازسازی اجتماعی مدعی اند که از عمل گرایی جان دیوئی پیروی می کنند که بر ضرورت بازسازی تجربه فردی و اجتماعی تأکید می نهد. بازسازی گرایان با بهره گیری از تأکید دیوئی بر بازسازی تجربه، بر دوباره سازی تجربه اجتماعی و فرهنگ پافشاری می کنند [۴]. بازسازی اجتماعی از هیجانانگیز عمل گرایی و پیشرفت گرایی برای اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به ظهور پیوست و این مکتب تأکید دارد که مدرسه بایستی عامل تحول اجتماعی باشد.

پیشگامان فلسفه بازسازی گرایی

براملد (۱۹۰۴-۱۹۷۸) تقریباً "پرنفوذترین شخص در فلسفه بازسازی گرایی به شمار می رود. وی که نویسنده کتاب به سوی فلسفه بازسازی گرایی آموزش و پرورش و از پیشروان این دیدگاه است معتقد است که مطالعه ی جامعه موجود باید به عنوان جزء مهمی از آموزش عمومی پذیرفته شود و دانشجویان رشته آموزش و پرورش باید بیش از پیش به جامعه شناسی تربیتی و پویایی اجتماعی بپردازند. این تلاش سبب شد تا آموزش و پرورش در شمار علوم اجتماعی قرار گیرد. [۵] تافلر که او را هم می توان از پیشگامان معاصر بازسازی گرایی نامید. وی در کتاب شوک آینده می نویسد " برای آنکه به انسان کمک کنیم تا شوک آینده را از سر خود رد کند، باید یک سیستم آموزش و پرورش فرا صنعتی ایجاد کنیم. برای این منظور به جای جست و جو در گذشته، باید اهداف و روش های خود را در آینده بیابیم."

تاکیدات مورد نظر باز سازی گرایان

پیروان نظریه باز سازی اجتماعی، رویای تغییر و ساختن مجدد جامعه را در سر دارند اندیشه آنان ریشه در فلسفه عمل گرایی و ایدئولوژی لیبرالیسم و آرمان شهر گرایی دارد. پذیرش فلسفه عمل گرایی با تأکید بر آزمایش گری جان دیوئی و پیروی از لیبرالیسم و آرمان شهر گرایی موجب شده است که باز سازی گرایان اجتماعی تصویری از یک جامعه ایده آل و در حال تغییر و بازسازی را ارائه دهند [۷].

طرفداران بازسازی اجتماعی معتقدند که مسائلی از قبیل بالا رفتن جمعیت، آلودگی محیط زیست، خشونت و تروریسم علائم بحران فراگیر کنونی به شمار می آیند. تضمین ادامه حیات انسانی و آفرینش تمدنی انسانی تر مستلزم آن است که انسانها به مهندسانی اجتماعی تبدیل شوند که قادر باشند مسیر تحول را طرح ریزی کرده، از علم و فناوری برای نیل به آرمانهای مطلوب بهره گیری نمایند. طرفداران بازسازی اجتماعی جامعه معاصر را با بحرانی رو به رو می بیند که از بی میلی بشریت نسبت به بازسازی نهادها و ارزشهای خود به منظور تامین

نیازمندی های زندگی جدید بر می خیزد. انسان ها با ارزش ها و نگرش های برگرفته از گذشته روستایی و پیش صنعتی خود به عصر علم و فن آوری جدید گام نهادند. برای حل بحران نیاز است که انسان ها میراث خود را بازبینی کنند و عناصر ماندگاری را که برای حل بحران کنونی مفید خواهند بود شناسایی نمایند. چنانچه مردم میراث خود را بررسی کنند، عامدانه مسیر تحول را طرح ریزی نمایند و طرح خود را عملی سازند می توانند نظم اجتماعی نوینی را به وجود آورند. [۴]

گوتک بر این اعتقاد است که آموزش و پرورش مبتنی بر بازسازی اجتماعی باید امور زیر را ترویج کند. [۴]

(۱) بررسی نقادانه میراث فرهنگی

(۲) تعهد نسبت به کوشش برای انجام اصلاحات اجتماعی عامدانه

(۳) نگرشی نسبت به برنامه ریزی به نحوی که بتوان مسیر تجدید نظر فرهنگی را ترسیم نمود.

(۴) آزمودن طرح های فرهنگی از طریق اجرای برنامه های اصلاح اجتماعی

بزعم معنوی پور مدارس مبتنی بر نظریه بازسازی اجتماعی مسئله مدارند یعنی آنها ابتدا مسایل حاد و بحرانی جامعه را شناسایی می کنند و سپس راه حل های ممکن برای آن را مورد بررسی قرار میدهند. عمل گرا بودن اصلی ترین ویژگی های این مدارس است. [۷]

فیلپس [۸] اذعان می دارد که نظریه بازسازی اجتماعی برای اصلاح و نوسازی جامعه، به تدوین سیاست ها و برنامه ها می پردازد. آنها با تاکید بر نقش مدرسه، آن را اصلاح گر نظام اجتماعی می پندارند که باید به بازسازی و نوسازی جامعه پردازد بازسازی گرایان مدرسه را نهادی اجتماعی می دانند که موظف است فراگیران را از طریق تدارک عامدانه مهارت ها، دانش و معرفت مطلوب جامعه به زندگی گروهی وادار کند.

بازسازی گرایان با اشاره بر تعارض های فراوانی که در جوامع انسانی از جمله فقر، غنا، آلودگی محیط زیست، تبعیض نژادی، افزایش جمعیت و... که وجود دارد ادعای خود را مستند میکنند و تاکید دارند که رهایی از این تعارض ها که جنگ و خون ریزی را در پی داشته اند تنها از طریق بازسازی جامعه بهبود می یابد. مهندسی

اجتماعی نیازمند انسان هایی با این ویژگی است، پس مدارس باید به پرورش مهندسان اجتماعی پردازند. [۷]

با این وصف باید گفت که جامعه به عنوان یک سیستم اجتماعی اولاً رو به آنتروپی که از خصوصیات هر سیستمی است پیش می رود. ثانياً در معرض تغییراتی قرار می گیرد که هضم آن با همان رویکرد های قبلی برایش امکان پذیر نمی باشد بنابراین مراکز آموزشی بعنوان یک مکانیسم تعادل ساز درونی جامعه بایستی اعضای آن را از لحاظ فکری آماده پذیرش تغییرات و بروز شدن جهت همراهی با تغییرات درون فرهنگی و برون فرهنگی نماید در غیر اینصورت تحمل خود را در برابر تغییرات از دست داده و در نتیجه در مقابل بحران قد خم خواهد کرد. چنانچه نلر [۹] بیان میدارند که مربیان باید از طریق آموزش برنامه اصلاح اجتماعی مفصل و همه جانبه به جوانان، جامعه را بازسازی کنند.

به نظر کاوتنس بحران های بزرگ قرن بیستم نشانه هایی از دوران عمیق انتقال تغییرات سریع هستند هنگامی که جامعه آمریکایی بین دو الگوی اجتماعی کاملاً متفاوت به حرکت پرداخت تحولات فرهنگی حادی بروز

کردند. یورش سریع به سوی شیوه زندگی بسیار پیچیده صنعتی، تکنولوژیک و علمی، اجتماع سنتی تر کشاورزی، روستایی و محلی کنار زد. در حالیکه این تحولات در نگاه اول مادی می نمودند اما وجوه اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و هنری زندگی را نیز متأثر نمود. [۴]

به نظر می رسد که آنچه که ضرورت بازسازی اجتماعی را ایجاد می نماید. بحران های ناشی از اثر تغییرات تکنولوژیک و صنعتی شدن جوامع و در حال حاضر نیز عوارض ناشی از عصر اطلاعات و مجازی شدن می باشد. اما آنچنان که از سخنان کاونتس بر می آید نفس تحول ضرورتا بحران افرین نیست بلکه بحران زمانی به وقوع می پیوندد که افراد برای مقابله با تغییر و تنظیم فرایندهای آن آمادگی نداشته باشند. به همین منظور کاونتس در تحلیل خود از نظریه تاخر فرهنگی بهره گرفت به موجب این نظریه هرگاه خلاقیت تکنولوژیک بشر بر آگاهی اخلاقی و سازمان اجتماعی پیشی بگیرد تاخری روی میدهد. بحران سازمانی بر اثر سلسله ای طولانی از ناسازگاریها که بین نگرشها و ارزشهای به ارث رسیده از یک سو و نوآوری های تکنولوژیک از سوی دیگر رخ میدهند بروز می کند. [۴]

بدون شک یکی از تاثیرگذارترین عوامل مربوط به تغییر و تحول زندگی بشری که بر فرهنگ و سیاست و الگوهای اخلاقی جامعه تاثیرات ژرفی گذاشته که در صورت عدم بازسازی اجتماعی موجبات بحران های بزرگی را فراهم می آورد انقلاب صنعتی است. چنانچه به تعبیر "تافلر" نظام صنعتی چیزی پیش از دودکش ها و خط تولید کارخانه ها و تولید انبوه بود یک نظام غنی چند وجهی را تشکیل می داد که بر تمام جنبه های زندگی اثر گذاشته و همه خصایص گذشته موج اول (کشاورزی) را مورد حمله قرار داد. [۱۰]

گالبرایت نیز معتقد است که در جامعه فرا صنعتی طبقه کارگر نمی تواند در ایجاد تغییرات اجتماعی ایفای نقش نماید به عقیده وی نیروی انقلابی چنین جامعه ای تنها در دانشگاه ها شکل می گیرد. در جامعه فرا صنعتی دانش و اطلاعات منبع قدرت و توانمندی است و عمده تغییرات اجتماعی از یافته های علمی و اطلاعاتی و پیامد های مربوط به آنها مایه می گیرند. [۱۱]. بنابراین جامعه فرا صنعتی نیز یکی دیگر از عوامل تحول زا در جامعه است که دگرگونی های قابل ملاحظه ای را با خود همراه دارد که چنانچه جامعه در نقش بازسازی خود کاهلی کند با مشکلاتی مواجه خواهد شد بویژه اینکه چنین جوامعی برای تامین نیروی انسانی مورد نیاز خود شدیداً به دانشگاهها وابسته هستند و اگر دانشگاه ها نتوانند از آنها مهندسين اجتماعي بسازند يقينا با مشکلات عدیده ای مواجه خواهند شد.

هامیلتون عناصر کلیدی مربوط به تغییر جوامع صنعتی و فرا صنعتی را اینگونه مطرح می نماید [۱۱]:

- ۱- کاهش اشتغال در بخش های کشاورزی، استخراج، معدن و صنعت
- ۲- افزایش اشتغال در بخش خدمات
- ۳- ظهور علم و فناوری به عنوان مولفه های کلیدی

- ۴- ظهور گروه های اجتماعی جدید که به وسیله معیارهای غیر اقتصادی توصیف می شوند، مانند ظهور فرا مادی گرایی، طبقه کارگر جدید، تکنوکرات ها و....
- ۵- توجه به اهمیت اطلاعات
- ۶- کاهش تضادها طبقاتی سنتی

بازسازی اجتماعی و بحران

از مطالبی که در خصوص نظریه ی بازسازی مطرح شد در می یابیم که هدف اساسی از بازسازی اجتماعی ایجاد آمادگی در آحاد جامعه جهت پیشگیری از ایجاد بحران است لذا با توجه هدف مقاله که بررسی نقش دانشگاهها در بازسازی اجتماعی است ابتدا بحران های جامعه امروزی مورد بررسی قرار می گیرد سپس با توجه به بحران های مزبور به بررسی نقش دانشگاه در بازسازی اجتماعی پرداخته می شود.

مفهوم بحران

مفهوم بحران از حیث درک، شناخت و حل آن بحثی حیاتی و حساس برای دولت ها به خصوص برای کشورهای در حال سپری کردن دوران گذار هستند- می باشند. [۱۲]

همانطور که درسطور قبل آمد با توجه به نظریه (تاخیر فرهنگی) بحران هنگامی ایجاد می شود که خلاقیت تکنولوژیک بشر بر آگاهیهای اخلاقی و سازمان اجتماعی بشر پیشی بگیرد، بنابراین علت اصلی بروز بحران همگام نبودن رشد فرهنگی و اجتماعی با رشد تکنولوژیک است که معمولا از عوارض دوران گذار از یک عصر تاریخی به عصر دیگر است. مثلا گذر از دوره کشاورزی به دوره ی صنعتی و یا از دوره صنعتی به دوره ی اطلاعات و یا از عصر اطلاعات به عصر مجازی شدن است.

چنانچه ربیعی [۱۲] اظهار میدارد که جهان در آستانه هزاره سوم به دلیل سرعت بالای تحولات ناشی از انقلاب ارتباطات و همچنین صورت بندی های جدید از نظم جهانی و تاثیرات آن بر حوزه ی فرو ملی با پیدایی آشوب ها و بحران های نوین در سطوح ملی مواجه شده است و فرایندی از بحران اجتناب ناپذیر را پیش روی جوامعی مانند ایران قرار داده است. نگاهی موشکافانه، و علمی به لایه های اجتماعی ایران امروز، بحران های تو در تو، پیدا و نا پیدای زیادی را نشان می دهد. گویی جامعه نوین ایران امروز در حال دگردیسی و به تعبیری در حال پوست اندازی تمام و کمال می باشد.

سطح توسعه یافتگی و رابطه آن با بحران

ربیعی [۱۲] جوامع را از لحاظ سطح توسعه یافتگی به سه دسته تقسیم می کند.

۱- جوامعی که عقب مانده هستند و دوره عقب ماندگی را سپری می کنند.

۲- جوامعی که در حال اجرای برنامه های خروج از عقب ماندگی و حرکت به سوی توسعه یافتگی می باشند که به آنها جوامع در حال گذر گفته می شود.

۳- جوامعی که دوران گذار را سپری کرده اند و با ویژگی های توسعه یافتگی شناخته می شوند.

البته به نظر نگارندگان این تقسیم بندی یک تقسیم بندی نسبی است، زیرا در عصر کنونی بویژه با سرعت پر شتاب دانش و تکنولوژی و ورود به عصر مجازی شدن نمی توان گفت که حتی جوامع توسعه یافته نیز با بحرانی مواجه نیستند و یا در حال گذار نیستند اما اگر تقسیم بندی فوق را بپذیریم ایران جزء کشورهای دسته دوم محسوب می شود که این کشورها به طور طبیعی با بحران های اجتماعی متعدد و در هم تنیده ی بیشتری مواجه هستند زیرا این کشورها در معرض هجوم بیشتری از تکنولوژی و فناوری و تحولات همراه آنها مواجه هستند بنابراین بروز بحران و فشار و نیرو در این کشورها طبیعتاً بیشتر است به همین دلیل ضرورت بازسازی اجتماعی در این کشورها و از جمله کشور ما از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار است.

پدیده های بحران ساز در ایران امروز

به طور کلی پدیده های بحران ساز را تحت سه عنوان می توان دسته بندی نمود

الف) بحران های داخلی ناشی از «آشوب های نوین جهانی» که عامل آن خارج از مرز های یک کشور است.

ب) تحولات ساختاری که پدیده ای داخلی با امکان تاثیرپذیری از خارج محسوب می شود.

ج) تحولات جمعیتی که یک موضوع کاملاً داخلی است. (همان)

دسته اول بحران های ناشی از آشوب های جهانی

در رابطه با پدیده نخست امروز مسایل بحرانی را باچند اتفاق مهم که در هم تنیده شده می توان بررسی کرد. به

عقیده ربیعی [۱۲] مطالعات نشان می دهد که جوامعی مانند ایران با یک استحالته بنام استحالته آشوب زا به پیش

می روند که به عقیده جیمز رزونو [۱۳] پنج گرایش در سیستم اصلی این استحالته آشوب زا هستند که عبارتند از:

۱- گرایش ناظر به گذر از نظم صنعتی به نظم پسا صنعتی. ۲- ظهور موضوعات زیستی اجتماعی همچون

آلودگی هوا، تروریسم، تجارت مواد مخدر، بحران ارزی، بیماری ایدز و ... ۳- بحران کاهش اقتدار نهادی ۴-

تضعیف نظام های کلی همچون دولت ها. ۵- پیامد های ناشی از گرایش افراد به جهانی شدم و یکپارچگی

با توجه به نظر جیمز روزنا می توان بحران های زیر را جزء بحران های ناشی از آشوب های جهانی قلمداد نمود:

۱- تغییر گسترده ی نهاد های اجتماعی و به زیر کشیده شدن گروه های مرجع سنتی: به دلیل کوتاه شدن بعد زمان و مکان و فوران اطلاعات در میان فشرهای پایین دست جامعه و رشد مطالبات آنها تغییر خواهی، نوجوانی، تنوع طلبی و دگر خواهی که در صورت عدم مدیریت آن و کنترل نشدن آن موجی از بحران را به سمت جامعه خواهد آمد.

۲- تغییر در شکل زندگی و پذیرش الگوهای زندگی کشورهای صاحب تکنولوژی (غرب) و دوری از زندگی سنتی و دینی که در این مسیر ارزشهای مفید و پسندیده و اصیل جامعه نیز هدف گرفته می شود.

۳- قرار گرفتن الگوهای غربی و بیگانه بجای الگوهای اسلامی، ایرانی، بومی و منطقه ای.

۴- وابستگی متقابل: امروز کشورها نمی توانند بگویند ما به تنهایی خودمان همه چیز را تولید کنیم. امروز در دنیا نظریه خودکفایی در همه چیز نه عملی است نه عقلی. مفهوم وابستگی متقابل از عرصه اقتصادی عبور کرده و به وابستگی متقابل اجتماعی و سیاسی وابسته شدن بلوک ها، وابسته شدن ائتلاف ها و فراتر از آن وابستگی سازمان ها و نهادهای اجتماعی درون دولت ملت ها با یکدیگر و با سازمان های برون مرزی نیز کشیده شده است و به تعبیری امروز گفته می شود اگر قدرت های نظامی، سیاسی و اقتصادی در جهان توسعه یافته عطسه کنند جهان سومی ها سینه پهلو می کنند. [۱۲]

سطح وابستگی متقابل در ۲۰ سال گذشته از سطح ملی به سطوح فرا ملی گسترش یافته یعنی امروز از نهادهای فرا ملی گرفته تا نهادهای فرو ملی حتی تا سطح فردی به سمت وابستگی متقابل جهانی شده در حال حرکت هستند. این اتفاق جدیدی است که مربوط به دوران اخیر بوده و در گذشته با آن روبه رو نبوده ایم. [۱۴] با توجه به موارد فوق یکی دیگر از تهدیدها و بحران هایی که کشور را تهدید می کنند وابستگی آحاد مردم بویژه قشر جوان جامعه به سایر کشورها به جای وابستگی به حاکمیت و عرق ملی خودمان است.

۵- نفوذ تروریسم و گروه های افراطی مذهبی: یکی از تهدیدات بزرگ جهانی درحال حاضر تروریسم است که مبارزه با آن عزم جهانی می طلبد. بنا به گزارش شاخص تروریسم جهانی GTD از سال ۲۰۰۰ تا کنون تعداد انسان های قربانی تروریسم در سطح جهان ۵ برابر افزایش یافته است. بر این اساس از ۳۳۶۱ مورد در سال ۲۰۰۰ به ۱۷۹۵۸ مورد در سال ۲۰۱۳ رسیده است [۱۵] که با احتساب تشدید فعالیت های تروریستی توسط گروه هایی همچون داعش، طالبان القاعده و بوکوحرام و.... این آمار در سال جاری به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافته است. بر اساس همین گزارش حدود ۸۲٪ کشته شدگان حملات تروریستی در پنج کشور عراق، افغانستان، پاکستان، نیجریه و سوریه هستند که با توجه به اینکه سه کشور از این پنج کشور با ایران همسایه هستند و کشور دیگر یعنی سوریه نیز از کشورهای تحت الحمایه ایران محسوب میشود متأسفانه خطر اینکه این تهدیدات دامنگیر ایران هم شود و به نوعی این کشور را تحت تاثیر خود قرار دهد خیلی بیشتر از سایر کشورهاست [۱۵] بر اساس همین گزارش کشورهایی که بالاترین آمار تروریسم را دارند دارای سه ویژگی منحصر بفرد هستند:

الف) خصومت اجتماعی بین گروه های مختلف قومی، مذهبی و زبانی

ب) عدم انسجام میان گروهی و سطح بالای نارضایتی گروهی

ج) وجود خشونت دولتی مانند قتل های فرا قضایی، ترور سیاسی و نقض فاحش حقوق بشر، جرم، جنایت و.....

۶- اعتیاد و مواد مخدر:

مشکل مواد مخدر مشکلی است که سالهاست بیشتر مردم جهان با آن دست به گریبان اند و روز بروز اثرات سوء و صدمات زیاد خود را بر پیکره ی جوامع انسانی وارد میکند. به طوری که بیش از ۲۰۰ میلیون نفر در جمعیت شش میلیاردی کره ی زمین دچار این بلیه هستند. بلایی که امروزه بعنوان یک تهدید بین المللی حسوب می شود. [۱۶]

۷- توسعه رسانه های نوین جهانی (اینترنت، ماهواره و شبکه های اینترنتی)

مک لوهان معتقد است در پرتو مسائل ارتباطی و الکترونیک کار و زندگی اجتماعی دگرگون می شود. جوامع و ملت ها به هم نزدیک می شوند و در نهایت دهکده ای به پهنای کره زمین پدید می آید. بدون شک این به هم نزدیکی باعث می شود که سیل عظیمی از سوژه ها، داده ها و اطلاعات و برنامه های متنوع از سراسر جهان در دسترس آحاد جامعه قرار گیرد که بدون تردید تغییرات فرهنگی در حوزه های مختلف زندگی آنها را سبب خواهد شد [۱۷]

مک لوهان با توجه به گسترش روزافزون اینگونه رسانه ها معتقد است روش های آموزشی امروزی با واقعیت های دنیای کنونی سازگار نیست. او بحران های دانشگاهی موجود جهان را ناشی از عدم انطباق نظام آموزشی با شرایط ارتباط الکترونیکی می داند و در این زمینه توصیه می کند که برای تامین نیازمندی های جوامع کنونی، لازم است در روش ها و برنامه های آموزشی تجدید نظر گردد. او معتقد است که عصر ما دستخوش انقلاب شده است و علت بحران های دانشگاهی نیز مانند سایر موارد نادیده انگاشتن تحولاتی است که از رسانه های الکترونیکی حاصل شده است. [۱۸] مطابق مطالعات صورت گرفته می توان گفت که رسانه ها بویژه رسانه های جدید بویژه شبکه های اجتماعی یکی از تاثیرگذارترین ابزارها در زمینه اخلاقیات، رفتار و فرهنگ آحاد مردم بویژه قشر جوان می باشند.

آذین و پیرمحمدی، در این زمینه بیان می دارند که ورود برنامه های ماهواره ای و اینترنتی در جهان در حال توسعه باعث پذیرش افکار جدید و روش های زندگی و وارداتی در بین قشر جوان می شود و همین عامل باعث می شود که جوانان از عمل به بسیاری از عادات و رسوم سنتی جامعه خود سر باز زنند و دائم به تقلید فرهنگ غربی پرداخته و به قول "فرانتس فانون" با وجود پوست سیاهشان به دنبال صورتک های سفید باشند و در پی عمل به روش های زندگی جدید و بدعت های غربی باشند و در برابر بیشتر و بیشتر از آنچه مبتنی بر میراث فرهنگی و تمدنشان است و دورتر و دورتر شوند. [۱۹]

مطالعات صورت گرفته در ایران نیز موید همین نکته است و نشان می دهند که رسانه های نوین جهانی به طور گسترده ای بر اخلاق، رفتار، سبک زندگی؛ ارزش ها، فرهنگ، اعتقادات، هویت و شیوه ی عمل افراد بویژه جوانان تاثیر گذار بوده اند. [۲۰]، [۲۱]، [۲۲] و [۱۹]

۸- بحران کاهش اقتدار خانواده و نهاد های سازمانی (دولتی):

از دو دهه پیش به این سو رفته رفته از توانایی سازمان های رسمی در ارائه راه حل های رضایت بخش کاسته شده. البته این بحران، خاص جامعه ایران نیست. اما در کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال گذار و نیز کمتر توسعه یافته میزان تاثیر آن متفاوت است. این بحران صرفا در سطح سازمانها مطرح نیستند. امروزه در هر نهاد اجتماعی که مقداری از قدرت و الزام به اطاعت وجود دارد، این بحران قابل مشاهده است. بعنوان مثال در کوچکترین نهاد اجتماعی، نهاد خانواده بویژه در میان جوانان میزان فرمانبرداری از پدر یا مادر پایین تر از پنج تا ده سال گذشته شده است. این بحران به تدریج به سطح گروه های ثانویه اجتماعی تسری می یابد، از طرفی از آن جا که طبیعت کار و شغل بیشتر تخصصی شده و نقش کارگران و مهندسين ما برجسته تر شده است، نهادهای سنتی اقتدار دیگر نمی توانند منابع اقتصادی و سیاسی جامعه را مانند سابق مدیریت کنند. [۱۳]

این بحران باعث می شود قدرت تاثیر گذاری گروه های مرجع از جمله دولت ملی - منطقه ای - والدین و روسای سازمان ها بر افراد تحت کنترل آنها کمتر شود که این مسئله می تواند بحران زیادی همراه خود داشته باشد. به همین خاطر است که می بینیم گاهی اوقات بخاطر فشار طبقات پایین برنامه ها و فعالیت ها خلاف عرف و قوانین و مقررات انجام می شود و گاهی اوقات دولت ها توان رهبری و کنترل بسیاری از امور را از دست می دهند.

اتفاق دیگری که در بحران اقتدار اتفاق افتاده تغییر منابع اطلاعاتی افشار اجتماعی است. در گذشته دولت بزرگترین و مهمترین تامین کننده ی منابع اطلاعاتی بود و به راحتی اطلاعات را به نفع جامعه کانالیزه میکردند، در حالیکه در دهه اخیر منابع غیر دولتی مانند رسانه های نوین ارتباطی، مطبوعات و نیز رسانه های خارجی و از همه مهمتر ارتباطات شبکه ای جدید فراملی به عنوان یک رقیب رسانه ای قدرتمند دولتی عمل کرده و به مرور جایگزین آنها می شوند و به تعبیر مانوئل کاستلز «جامعه شبکه ای» پدید آمده، تبعیت ها را از دولت کاسته و به سمت سایر منابع از جمله گروه های مردم نهاد جدید سوق داده است. [۲۳]، [۲۴].

پدیده دوم: تحولات ساختاری

شهر نشینی: یکی از اتفاقات در تحولات ساختاری افزایش شهرنشینی در ایران می باشد. از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ نسبت شهرنشینی در روستا نشینی کاملا معکوس شده است. آمار ارائه شده نشان می دهد که این روند همواره رو به رشد است و پیش بینی می شود در سالهای آتی نیز این روند شهرنشینی دوام پیدا نمایند. از طرفی شهرنشینی معضلات و بحران های خاص خود را دارد. فرهنگ آپارتمان نشینی با فرهنگ سنتی گذشته کاملا متفاوت است. در شهرها هنجارهای جدید و از هم گسیختگی بیشتری به وجود می آید. این مسائل در مجموع بخشی از فرایند بحران اجتماعی ایران امروز را تشکیل می دهند. [۱۲]

البته در کنار این تحولات، مسئله حاشیه نشینی، نحوه پر کردن اوقات فراغت، نوع کار و اشتغال، حمل و نقل، گسترش و فقر و اعتیاد، بزهکاری های گوناگون ناشی از تراکم جمعیتی در شهرها را نیز بایستی مزید بر بحران ایجاد شده ناشی از تراکم جمعیتی دانست.

افزایش سطح سواد: دومین اتفاق در تحولات ساختاری افزایش با سواد است که اگر چه فی نفسه و به تنهایی خود یک پدیده مستقل می باشد اما همواره با خود پدیده ها و متغیرهای نوینی به همراه می آورد. وقتی درصد با سواد بالا می رود تعداد اساتید، دانشجویان، مشاغل مرتبط با دانشگاه متقاضیان مشاغل پشت میز نشینی و مشاغل تخصصی افزایش می یابد از طرف دیگر سطح انتظارات و توقعات قشر تحصیل کرده از حکومت، نحوه مشارکت آنها نسبت به افراد با تحصیلات پایینی کاملاً متفاوت است.

تحقیقات انجام گرفته نشان می دهد که تغییرات ارزشی و تغییر خواهی های سیاسی و اجتماعی در دهه اخیر با افزایش درصد با سواد مرتبط بوده است. [۱۲] هر نسلی قهرمانان خاص خود را دارد و نیز از الگوهای خاص خود و آرزوهای متفاوت برخوردار است. این خواست های ذهنی وقتی با سواد و شهرنشینی همراه نباشد ابتدایی و ساده بوده و اساساً بحران زا نیست. الگوها و نیازهای ذهنی ابتدایی ظرفیت تغییر خواهی و ایجاد خواست تغییر را ندارند. در جامعه امروز ایران افزایش شهرنشینی با رشد باسواد و گسترش ارتباطات فرا ملی ترکیب و منجر به ایجاد الگو، نیازها و خواسته های متفاوت با گذشته و نیز مغایر با سیاست های مورد نظر دولت شده اند. [۱۲] همانطور که ملاحظه شد، در حال حاضر وجود طبقات جدید فرهنگی دارای سهم خواهی های نوین و الگوهای ذهنی ناهماهنگ با ساخت رسمی ارزشی و هنجاری نظام سیاسی ایران هستند. جریان روشنفکری همچنان در حال گسترش است. به طور تدریجی و مداوم در حال دگراندیشی نسبت به فرهنگ حاکم و پیوستگی روزافزون بر جریان فرهنگی جهانی و گروه های فکری و فرهنگی فرا ملی است که با نگاه علمی می توان در جامعه امروز ایران آن را حس کرد.

تغییر نحوه معیشت: سومین زمینه بحران ساز در حوزه تحولات ساختاری، مربوط به تغییر نحوه تامین معیشت است. نگاهی به ترکیب مشاغل نشان می دهد که ساختار مشاغل بعد از انقلاب و بویژه در دو دهه اخیر با ورود تکنولوژی های جدید و تولیدات انبوه با گذشته تفاوت قابل ملاحظه ای داشته بطوری که بسیاری از مشاغل فلسفه وجودی خود را از دست داده اند و در عوض با ایجاد مشاغل جدید به تولیدکنندگان افزوده شده اند. در گذشته زندگی سنتی بویژه در مناطق عشایری و روستایی دارای مشاغل خاص خود بود و معمولاً اقتصاد خانواده به نحوی بود که همه ی افراد خانواده درگیر اقتصاد خانواده بوده اند اما امروزه با مکانیزه شدن کشاورزی و دامپروری، مشاغل عشایران و روستاییان به کلی دگرگون شده است و همین عامل باعث شده که بسیاری از آنها مشاغل خود را از دست بدهند و به سمت شهرها و روستاهای بزرگ مهاجرت کنند. در مناطق شهری نیز به دلیل رشد صنعتی و صنعتی شدن بسیاری از مشاغل نحوه معیشت آنها به کلی دگرگون شده است و به همین خاطر مهاجرت عشایران و روستاییان به شهرها و اضافه شدن بر تعداد افراد جویای کار در مناطق شهری و مواجه با

هنجارهای غیر مانوس و غیر مرسوم باعث بسیاری از ناهنجاری ها از جمله بیکاری، نامتناسب بودن مشاغل با میزان سواد افراد، بحران شکاف بین طبقات اجتماعی، بحران حاشیه علیه متن، تراکم جمعیت و مشکلات ناشی از آن شده است علاوه بر اینکه درگیری بین سنت و تجدد خود مقوله ای بحران ساز جداگانه است چنانچه به عقیده "گیلانز" در گذشته سنت ها مانند طبیعت به عنوان یک چارچوب خارجی برای فعالیت بشری در نظر گرفته می شد ولی اکنون این ما هستیم که باید درباره ی سنت ها تصمیم بگیریم و بگوییم کدامیک از آنها باید حفظ کرد و کدامیک را باید از اعتبار انداخت. [۱۱]

بنابراین اگر روند بازسازی در نحوه معیشت صورت نگیرد و مدرسه و دانشگاه نتوانند به بازسازی ذهنی افراد پردازد و هر آینه چالش نحوه معیشت خود تبدیل به بحرانی در دسر زار برای جامعه خواهد شد.

جهانی شدن: شواهد و دلالت های فراوانی در حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در مقیاس های خرد و کلان وجود دارند که بیانگر تحقق و گستردگی فرایند جهانی شدن هستند از جمله:

- ۱- گسترش بازارهای مالی و بورس جهانی
- ۲- شکل گیری تجارت الکترونیکی یا اقتصاد بدون وزن
- ۳- گسترش نقش و نفوذ شرکت های چند ملیتی
- ۴- بین المللی شدن فرایند تولید
- ۵- توجه به حقوق بشر و جامعه مدنی جهانی
- ۶- سازمان های غیر دولتی فراملی
- ۷- شکل گیری جنبش جهانی چون مبارزه با آلودگی های زیستی و محیطی و...

"گیلانز" تاثیر گذاری فرایند جهانی شدن را از منظر فشارهایی که این فرایند در ابعاد مختلف وارد می نماید مورد توجه قرار داده است به نظر او جهانی شدن حاوی مجموعه ای از نیروهای متضاد است که آن را در قالب منشوری سه وجهی مطرح می نماید و فشارهای وارد شده از این فرایند در قالب فشارهای از بالا به پایین، از پایین به بالا و فشار به اطراف دسته بندی می کنند. برای مثال فشار بازار جهانی بر روی ملت ها (از بالا به پایین) تحرکات جدید درون ملت ها مانند ناسیونالیسم (از پایین به بالا) و شکل گیری مناطق جدید اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که فراتر از مرزهای ملی به فعالیت می پردازند (فشار به اطراف) دائما جامعه را دچار چالش می کنند.

[۲۵]

به نظر "واترز" ۱- جهانی شدن فرایند های متمایز کننده و همگون ساز است و با پذیرش خرده فرهنگ ها و توانایی های محلی، جهان را به سوی کثرت گرایی سوق میدهد. ۲- جهانی شدن پیوندهای عرفی بین ملت و دولت را تضعیف می کنند و اقلیت های قومی مستحیل شده را رها می سازد و امکان تشکیل مجدد ملت ها در سراسر مرزهای پیشین دولتی را فراهم می آورد. ۳- جهانی شدن، مرکز را به پیرامون می آورد. در حدی که از نوگرایی غربی تغذیه شود، امکاناتی برای هویت قومی جدید در فرهنگ پیرامون بوجود می آورد. سیر این

جریان فرهنگی، مظاهر الکترونیک و وفور جهانگردی است. ۴- جهانی شدن همچنین پیرامون را به مرکز می آورد برای مثال آمدن مهاجران اقتصادی از بخش های نسبتاً کم رونق سیار به بخش پر رونق تر آن. [۲۶]

بنابراین چنانچه ملاحظه می گردد جهانی شدن می تواند تاثیرات عمیقی بر افراد جامعه بگذارد و اگر جامعه آمادگی پذیرش آن را نداشته باشد در چهار بحران های ناشی از آن در می ماند.

پدیده سوم: تحول جمعیتی و جوانان

پدیده ی دیگری که در کشور رخ داده پدیده تحول جمعیتی است. این نوع تحول جمعیتی به ندرت در سایر کشورها رخ میدهد. هر چند که اکثر کشورهای جهان سوم با بحران جمعیترو به رو هستند ولیدر ایران این موضوع بارزتر و با سرعت بیشتری اتفاق افتاده به نحوی که یکباره جمعیت ایران به یک جمعیت جوان و متفاوت با دو دهه قبل خویش تبدیل کرده است. [۱۲]

مقایسه جمعیت جوان ایران با جمعیت جوان سایر کشورهای جهان، این نکته را آشکار می سازد که نسبت جمعیت جوان ایران در بین سایر کشورها از جایگاه ویژه ای برخوردار است برای مثال از لحاظ نسبت جمعیت ۱۵ تا ۱۹ ساله به کل جمعیت رتبه اول جهانی و از نظر نسبت جمعیت ۲۰ تا ۲۴ ساله رتبه چهارم جهانی و از لحاظ نسبت جمعیت ۲۵ تا ۲۹ ساله رتبه دوم جهانی را دارد. (ربیعی، ۱۳۸۷) اما بر اساس سیاست های نظام و نظر رهبر معظم انقلاب و همچنین تصویب طرح پیشگیری از کاهش رشد جمعیت توسط مجلس شورای اسلامی به نظر می رسد که در جریان رشد جمعیت، ترکیب جمعیتی جوان کشور در سال های آتی نیز رو به افزایش باشد. اگر چه در مورد آثار و تبعات افزایش یا کاهش ترکیب جمعیتی فی نفسه نمی توان قضاوت کرد اما به هر حال جوان بودن جمعیت کشور مشکلات خاص خود را دارد که بایستی دانشگاه ها و مراکز آموزشی برای آماده کردن نسل جوان برای مقابله با این بحران ها گوش به زنگ باشند از جمله مسائلی که برای جوانان وجود دارد به شرح زیر است:

۱- مسئله اشتغال و بیکاری: طبق تحقیقات بیش از ۶۰٪ از جوانان کشور مشکل خود را داشتن شغل مناسب و درآمد کافی اعلام کرده اند. [۲۷]

۲- توزیع شغل: منتظر قائم در بررسی خود نشان می دهد که در سال ۱۳۸۰ حدود ۸۰٪ از جمعیت فعال ایران را مردان و فقط ۲۰٪ آن را زنان تشکیل می داده اند در حالیکه آمار نشان میدهد که امروز دختران بیش از پسران در دانشگاه ها پذیرفته می شوند. در ایران تحصیلات چندان نقشی در اشتغال جوانان ندارد و روندها نشان میدهد که نرخ بیکاری در میان جوانان تحصیلکرده در حال افزایش است. [۲۷]

۳- مهاجرت و یا درخواست مهاجرت جوانان تحصیلکرده به کشورهای دیگر: طبق آمارها سالانه تعداد زیادی از دانشجویان تحصیلکرده به خارج از کشور مهاجرت می کنند و حتی دانشجویانی که توسط بورسیه به خارج از کشور مهاجرت کرده اند تعداد کمی از آنها به کشور بر می گردند. بر اساس آمار صندوق بین المللی پول ایران

رتبه نخست مهاجرت تحصیلکردگان را به خارج از کشور (فرار مغزها) را در بین سایر کشورها دارا می باشد [۱۲]

البته در کنار مسائل فوق مسائلی از قبیل بحران مسکن، افزایش تقاضا برای آموزش، افزایش مطالبات جوانان در زمینه های سیاسی و اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و... را می توان به عنوان مشکلات مربوط به ترکیب جمعیتی دانست که در جای دیگر مورد بحث قرار گرفته اند و در اینجا از ذکر آنها خود داری می شود.

بحران های طبیعی و زیست محیطی

بحران آب: منابع آبی در جهان در مرحله بحرانی است مشکل کمبود آب و کیفیت آن مسائل عدیده ای را برای جهانیان بوجود آورده است. محدودیت منابع آب شیرین و در دسترس بودن فیزیکی آب و بحران سیاسی اجتماعی حاصل از آن در بسیاری از کشورها به صورت یک معضل جدی درآمده است. کاهش منابع آب حتی می تواند رشد کشورها را نیز تحت و شعاع قرار دهد. زیرا رشد بسیاری از صنایع وابسته به آب از جمله نیرو گاهها و بخش کشاورزی را متوقف و یا کاهش میدهد که این بحران با توجه به نگرش سیستمی میتواند بقیه بخش ها را نیز دچار مشکل کند

رشد سریع جمعیت مهمترین عامل کاهش سرانه آب تجدید نظر شونده کشور در طول ۸۰ سال گذشته بوده است. ایران در طی این هشت دهه حدود ۶/۸ برابر شده و طبق بررسی های انجام گرفته میزان سرانه آب تجدید پذیر کشور از ۱۳۰۰۰ متر مکعب در سال ۱۳۰۰ به حدود ۱۹۰۰ متر مکعب در سال ۱۳۸۵ تحلیل یافته است. [۲۸] که در حال حاضر نیز با احتساب کاهش نزولات جوی رقم آن کمتر و در آینده نیز بسیار کمتر خواهد شد. طبق برآورد دیگری، کاهش سالانه منابع داخلی آب شیرین ایران حدود ۵/۵ برابر کشورهای ثروتمند، ۳/۷ برابر کشورهای فقیر و ۸/۹ برابر کشورهای متوسط بوده است. [۲۹]

بنابراین یکی دیگر از بحران هایی که توسط مراکز آموزشی باید شناسایی شود که احتمالاً در آینده مشکلات و عواقب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جبران ناپذیری خواهد داشت بحران آب است که چنانچه برای مقابله با آن از طرف مراکز آموزشی و دانشگاهی و سایر مراجع فکری نشود، بنیان کن خواهد بود.

۲- بحران تخریب محیط زیست: مشکلات محیط زیست امروزه به عنوان بحرانی جهانی و فراگیر تبدیل شده است. [۳۰] این وضعیت که حاصل عواملی چند مانند استفاده مفرط از منابع طبیعی، افزایش جمعیت و پیشرفت تکنولوژیکی بشر می باشد باعث شده تا در سراسر جهان محیط زیست قربانی اصلی این وضعیت باشد. نتیجه تخریب محیط زیست که گاهی اوقات ناخواسته اتفاق می افتد باعث نابودی موجودات که در چنین شرایطی نه تنها زندگی انسان به خطر می افتد، بلکه هدف او که همانا رسیدن به توسعه مداوم و پایداری است با مشکل رو به رو می شود. [۳۱]

امروزه اگرچه سازمانهای متعددی به صورت رسمی مسئولیت حفاظت از محیط زیست را عهده دار گردیده اند و یا تعداد زیادی موسسات مردم نهاد در حال شکل گیری هستند تا از تخریب محیط زیست حفاظت کنند ولی به نظر میرسد مهمترین نقش را در این میان باید دانشگاه ها و مراکز آموزشی به عهده گیرند تا بتوانند با ایجاد

اعتقاد و حمایت از محیط زیست، امیال آنها که در واقع آینده سازان جامعه هستند را کنترل کنند در واقع افراد جامعه بایستی به گونه ای تربیت شوند که برای هرگونه اقدام اقتصادی و یا زندگی روزمره حفاظت از محیط زیست ملکه ذهن او گردد. زیرا تخریب محیط زیست بدلیل استفاده بی رویه، فضولات کارخانه ها، فضولات زائد زندگی و یا به هر حال بدلیل دستکاری و تغییراتی است که بوسیله انسان صورت می گیرد. بنابراین اگر انسان خوب تربیت شود، محیط زیست نیز نه تنها تخریب نمی شود بلکه عامدانه می تواند آن را توسعه و بهسازی نیز نماید. بنابراین در راستای توسعه باید دانشگاهها، مراکز آموزشی در اسرع وقت و قبل از بروز هرگونه فاجعه ای نسبت به بازسازی اجتماعی نقش عدم تخریب و توسعه و بهسازی محیط زیست فعالانه مشارکت داشته باشد.

نقش دانشگاهها در بازسازی اجتماعی

همانطور که در مباحث پیشین ذکر شد، مربیانی که از نظریه بازسازی اجتماعی پیروی می کنند به مشکلات اجتماعی به دید مسئله می نگرند، در این رویکرد آنان پرسشهای محوری زیر را مطرح می کنند. ۱- عناصر بالنده فرهنگ و حیطه هایی از معرفت که آنها را تبیین می کند، کدامند؟ ۲- حیطه های مشکل آفرین (مسائلی) که جامعه را متأثر می کنند چیستند؟ چگونه می توان حیطه های مشکل آفرین را حل کرد [۴] بر همین اساس بازسازی گرایان ضمن طرح ایده مدارس یا دانشگاههای مسئله مدار، مدارس را به عنوان مراکزی می بینند که در آنها معلمان و شاگردان با مسائل حاد جامعه نه صرفاً "برای انجام پژوهش های آکادمیک، بلکه برای آنکه به تحقیق و مشکل گشایی عمل محورانه دست یابند، دست و پنجه نرم می کنند. در چنین مراکز آموزش، پژوهش مداری، مسائل بزرگ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی در کانون توجه قرار می گیرند. بازسازی گرایان سعی دارند که ۱- مدارس را در بطن جامعه قرار دهند. ۲- از مدارس به مثابه ابزارها یا نهادهایی برای تحول و اصلاح جهت دار بهره گیری کنند. ۳- مسئله جاری اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی را شناسایی کنند (همان).

در همین راستا در این مقاله ابتدا حیطه های مشکل آفرین یا به قول بازسازی گرایان مسائل بحران زا مورد بررسی قرار گرفت. حال با توجه به مشکلات مزبور برای بازسازی و حل بحران های مذکور نقش های زیر را برای دانشگاهها میتوان بر شمرد.

۱- شناسایی، آموزش و هدایت گروه های مرجع جدید در راستای ارزش های مطلوب جامعه اسلامی - ایرانی: همانطور که گفته شد، یکی از بحران های پیش روی جوامع جدید، بحران کاهش و به زیر کشیده شدن گروههایی مرجع سنتی است. بنابراین یکی از وظایف دانشگاه هدایت گروههای مرجع جدید به سمت ایده ها و ارزشهای مورد نظر جامعه و ارائه آموزش های لازم به دانشجویان در خصوص حراست و کیاست از ارزشهای مطلوب و احتمالاً "مطلق جامعه است. و انجام پژوهش های در این زمینه است که چگونه می توان ارزشهای سنتی را در قالبی نو و مطابق تحولات جهانی و نو پدید به جوانان و آحاد جامعه ارائه داد. و از طرفی ارتباط تنگاتنگ با گروههای مرجع سنتی برای همراهی با آحاد جامعه با پوست اندازی جدید اما با حفظ

آرمانها و ارزشهای دینی، ملی و مشروع جامعه که در این نقش، دانشگاه در نقش تطبیق ارزشهای اصیل جامعه با رویکردهای نو پدید و جهانی عمل می کند.

۲- پالایش و بازسازی ارزش های جدید و گذشته و هماهنگ کردن آن با ساخت ارزشی

جامعه: دیویی معتقد است که مدرسه سه وظیفه اساسی در رابطه با ارزشها دارد. ساده کردن، پالودن و متعادل کردن، مطابق این دیدگاه، یکی دیگر از نقش های مهم دانشگاه در رابطه با بازسازی از یکطرف ساده کردن و پالایش ارزش های نوظهور و سپس متعادل ساختن آن با ساخت ارزشی حاکم بر جامعه است قبل از آنکه افراد جامعه و بویژه جوانان در معرض بخش آسیب زای آن قرار بگیرند و از طرف دیگر بازسازی ماهرانه ارزش های سنتی و موجود جامعه و هماهنگ کردن و متعادل ساختن ماهرانه آنها با ارزشهای جدید و نوظهور است. یعنی اگر دانشگاه بتواند به پالایش ارزش های جدید و هماهنگ آنها با ساخت ارزشی جامعه و بروز کردن مداوم ارزش های موجود جامعه در قالبی جدید و متناسب با تغییرات تکنولوژیک پردازند، به یقین جامعه با بحران مواجه نخواهد شد.

۳- بازسازی الگوها و متون اسلامی: سومین نقش دانشگاه در رابطه با بحران های بیان شده، بازسازی متون

اسلامی - ایرانی به شکلی زیبا، هنرمندانه و جذاب برای نسل جدید است. چنانچه ملاحظه می شود بسیاری از دیدگاههای فلسفی و اجتماعی که در حال حاضر توسط صاحب نظران معاصر و عمدتاً " غربی بیان می شود، روزگاری توسط پیامبران الهی بویژه آخرین فرستاده وی حضرت محمد(ص) و ائمه اطهار و صاحب نظران اسلامی بیان شده است. ولی نسل جدید و حتی اساتید دانشگاههای ما آنقدر مقهور دیدگاههای غربی شده اند که آموزه ها و الگوهای بومی خود را فراموش کرده اند. برای مثال در رابطه با کودک مداری و طبیعت گرایی از پیامبر اکرم روایت آمده است که ۷ سال اول زندگی کودک دوره سیادت است و یا خاک چراگاه کودک است اما ما روسو را پیشتر از در کودک مداری می دانیم. به همین دلیل نسل جوان یکسره شیفته و دلباخته فرهنگ غرب می شود زیرا اندیشمندان دانشگاه های ما روی این الگوها و این متون غنی کار نکرده اند. بنابراین یکی دیگر از نقش های بازسازی دانشگاه ها تقویت الگوهای اسلامی و ایرانی و است.

۴- تقویت حس وابستگی به حاکمیت و عرق ملی: در بخش بحران گفته شد یکی از عوارض دنیای

کنونی، با توجه به رشد تکنولوژی، ارتباطات، اقتصاد و توسعه شرکت های چند ملیتی و همچنین در هم تنیدگی اجتماعی و سیاسی، وابستگی متقابل کشورها به همدیگر است که در این بستر احتمال وابستگی شدید افراد و گروههای کشورهای ضعیف و جهان سومی به کشورهای توسعه یافته بیشتر است. بنابراین برای پیشگیری و یا کاهش این تأثیر لازم است مراکز دانشگاهی و فرهنگی کشور به بازسازی مجدد و تقویت حس وابستگی به حاکمیت و عرق ملی و باز تعریف حاکمیت ملی و نوع ارتباطی که بایستی با سایر ملل وجود داشته باشد پرداخته شود. اما اگر با همان تعاریف قدیمی و بدون بازسازی غرور ملی و حاکمیت ملت - دولت وارد این تحولات

در حال شکل گیری در جهان کنونی شویم، به یقین وابستگی به ارزش های وارداتی و فاصله گرفتن از ارزش ها، غرور و حاکمیت ملی از بدیهیات خواهد بود.

یکی دیگر از بحران های شناسایی شده که در حال حاضر کشور را تهدید می کند، بحران نفوذ تروریسم و گروه های افراطی مذهبی است که بر اساس گزارش [۱۵] کشورهای که بالاترین آمار تلفات ناشی از نفوذ تروریسم را دارند، دارای سه ویژگی هستند.

الف) خصومت اجتماعی بین گروه های مختلف قومی - مذهبی - زبانی

ب) عدم انسجام میان گروهی در سطح بالای نارضایتی گروه

ج) وجود خشونت دولتی مانند قتل های فرا فضایی، تروریستی و نقض فاحش حقوق بشر - جرم و جنایت

بر همین اساس می توان سه نقش دیگر در خصوص بازسازی دانشگاهها ذکر نمود.

۵- توسعه و آموزش مهارت های زندگی متناسب با عوارض از ناشی از صنعتی و فرا صنعتی

شدن: پیشتر گفته شد که عواملی از جمله اعتیاد، فقر و تنگدستی، طلاق فیزیکی و عاطفی کاهش اقتدار مرجعیت سنتی، ارتباط های غیر معمول، افزایش اوقات فراغت و.... از بحران های در حال شکل گیری در جوامع در حال توسعه می باشد با توجه به این بحران ها یکی از نقش های حساس دانشگاه ها باز سازی و توسعه مهارت ها و ایجاد کارگاه های مهارت زندگی می باشد تشکیل کاره ها در طول دوره دانشگاهی میتواند دانشجویان را در برابر این بلیه ها واکسینه نماید.

۶- تولید محتوی ها و متون انسجام برانگیز: یکی دیگر از نقش ها و وظایفی که در راستای بازسازی

اجتماعی و کاهش خصومت و اختلاف بین گروهها می توان برشمرد تولید متونی که به ایجاد وحدت بین قومهای مختلف و ادیان و مذاهب مختلف کمک می کند است. متاسفانه در بسیاری از موارد در متون تولید شده مشترکات پررنگ نمی گردد. برای مثال بین تشیع و تسنن مشترکات زیادی وجود دارد که بجای اینکه این مشترکات پررنگ شود، در اکثر مواقع دیده می شود هر گروه سعی می کند که برتری خود را بر دیگری اثبات کند و دیگری را ضد دین معرفی کند. این اختلافات باعث می شود که برای برجسته کردن مذهب خود، مذهب دیگر بسیار زشت و افراطی معرفی کند و همین عامل باعث افراطی گری و نهایتاً "مخالفت و ترور همدیگر می شود. در حالیکه دانشگاه ها بایستی از افراط و تفریط بدور باشد و ضمن احترام برای نظرات مخالف، به تحلیل علمی اختلاف دیدگاهها پردازد.

۶- تقویت کرسی های آزاد اندیشی: یکی دیگر از نقش های بازسازی دانشگاه ها، تقویت کرسی های

آزاد اندیشی است که از منویات رهبر معظم انقلاب نیز می باشد. حاصل این کرسی ها این است که دانشجویان یاد می گیرند که بجای مجادله فیزیکی جبهه گیری علیه همدیگر به مباحثه و گفتگو های علمی روی بیاورند که در درازمدت می تواند به عنوان یک الگو و سیره رفتاری در جامعه توسعه پیدا کند و علاوه بر پرورش روحیه نقادی دانشجویان را در مقابل بسیاری از آثار شوم فرهنگ وارداتی واکسینه نماید.

۷- بازسازی فرهنگ همزیستی بین گروه های مختلف قومی ، مذهبی و زبانی : در کشور ایران، قومهای مختلف فارس - کرد - بلوچ - لر و ترک و ترکمن و ... و از لحاظ مذهبی ادیان و فرق مذهبی مختلف در کنار هم زندگی می کنند. در دانشگاهها، دانشجویان مختلف از این اقوام در کنار همدیگر به سر می برند که با تقویت فرهنگ همزیستی با گروههای مختلف و ارائه امکانات مساوی بین آنها می توان به آنها آموخت که در عین اختلاف می توانند براحتی در کنار یکدیگر زندگی کنند و با هم خصومتی نداشته باشند، تأکید بر مشترکات ملی و مذهبی و حفظ و حراست از کیان کشور می تواند به تقویت این حس همزیستی کمک کند.

۸- تامین نیروی انسانی مورد نیاز در عصر اطلاعات و فناوری: یکی دیگر از نقش هایی که در خصوص بازسازی اجتماعی برای دانشگاه ها می توان بر شمرده تامین نیروی انسانی مورد نیاز عصر اطلاعات و فناوری است زیرا در عصر اطلاعات بسیاری امور جامعه به صورت الکترونیکی می شود و بسیاری از امور اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی در فضای مجازی صورت میگیرد بنابراین چنانچه دانشگاه ها نتوانند نیروی انسانی مورد نیاز جامعه را در این عصر فراهم کنند، بسیاری از امور به کندی انجام خواهند قرار گرفت و یا به مرز تعطیلی کشانده می شوند و نمی توان ارتباط جهانی را حفظ کرد.

۹- توسعه نرم افزاری در رسانه های نوین جهانی: پیشتر گفته شد که توسعه رسانه های نوین جهانی از جمله ماهواره ، اینترنت و شبکه های اینترنتی باعث شده که اطلاعات به صورت آزاد و به طور عریان در اختیار جوانان و نوجوانان و حتی میانسالان قرار گیرد که این اطلاعات در اکثر مواقع با فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی و سیاسی ما مخالف است. بنابراین چنانچه امر توسعه رسانه های نوین جهانی و اطلاعات مورد نیاز جوانان و نوجوانان همپای منابع خارجی در فضای مجازی منتشر نگردد تاثیرپذیری آحاد جامعه و بویژه جوانان از منابع خارجی و به دنبال آن بحران های اجتماعی حتمی خواهد بود.

۱۰- نهادینه نمودن رعایت قوانین و مقررات در جوانان و نوجوانان: با توجه به اینکه یکی از بحران های جوامع معاصر بحران مرجعیت و اقتدار است بنابراین لازم است در دانشگاه های کشور فرایندی اتخاذ شود که رعایت قوانین و مقررات احساس مسئولیت اجتماعی و سیاسی در نوجوانان و جوانان تقویت شود تا بتوانند در گروه های مردم نهاد و غیر دولتی امور مربوطه کشور را بدون هرگونه هرج و مرجی انجام دهند در غیر اینصورت به دلیل تضعیف مرجعیت و اقتدار دولت های مرکزی و مراجع قدرت سنتی و عدم التزام به رعایت قوانین و مقررات در جوامع هرج و مرج ایجاد خواهد شد.

۱۱- تقویت هنجارهای دینی و ارزشی و باز تعریف آنها: فروپاشی باور ها نخستین مرحله وقوع جرایم و جنایت ها است بنابراین یکی از بهترین راه های پیشگیری از آسیب های اجتماعی تقویت باورهای دینی و ارزش جامعه است که انسان را به سمت و سوی هدف زتدگی متعالی سوق و جهت می دهد.[۳۲] بنابراین از طریق تقویت هنجارهای دینی و ارزشی و باز تعریف آن می توان از بسیاری از آسیب های اجتماعی از جمله

اعتیاد، طلاق، خانه های فساد، بی حجابی، ترور شخصیت ها، دزدی و اختلاس، تخریب محیط زیست و... جلوگیری کرد با این وصف یکی از نقش های پر رنگ دانشگاه ها بایستی تقویت ارزش ها و هنجار های دینی و مورد پذیرش جامعه باشد.

۱۲- تقویت باور روستا نشینی و در مقابل ایجاد نگرش منفی نسبت شهرنشینی: در بحث بحران های پیش روی جامعه ایرانی گفته شد که یکی از معضلات و بحران های تحدید کننده که تا هم اکنون نیز آثار شوم خود را بر نحوه زندگی، معیشت، تغییر ارزشهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه گسترانیده است. افزایش شهرنشینی در مقابل کاهش جمعیت روستا نشین است. چنانکه به گفته معاون توسعه روستایی مناطق محروم ریاست جمهوری در حال حاضر ۳۴۰۰۰ روستای کشور خالی از سکنه است (سایت تابناک) بنابراین با توجه به عوارض ناشی از این مسئله که پیشتر ذکر شد یکی از نقش های که دانشگاهها بایستی در خلال دروس رسمی و فعالیت های غیر رسمی خود برای تربیت نسل جوان مد نظر داشته باشند تقویت باور روستا نشینی و وفواید خاصا از آن می باشد که از محل این باور عاید فرد و جامعه می شود

۱۳- تهیه طرح جامع روستا نشینی: یکی از نقش های که مراکز دانشگاهی در خصوص کاهش مهاجرت به شهرها می توانند انجام دهند تهیه طرح جامع روستا نشینی توسط متخصصین دانشگاهی با همکاری مراکز اجرایی کشور است به طوری جاذبه های روستا نشینی باعث شود تا از مهاجرت روستا نشینان به شهرها کاسته شود. پرواضح است در صورتی که چنین طرحی با موفقیت قرین گردد، بخش بزرگی از مشکلات و بحران های پیش روی جامعه حل یا کاهش پیدا خواهد کرد

۱۴- تغییر نگرش جوانان تحصیل کرده در خصوص کار و شغل: در بحث بحران تحول جمعیتی و نحوه معیشت گفته شد که با افزایش روز افزون جمعیت جوان، از یک طرف تعداد بیکاران روز به روز بیشتر می شود و از طرف دیگر به دلیل افزایش با سواد سطح توقع جوانان برای اشتغال در مراکز دولتی و پشت میز نشینی هر روز بیشتر از دیروز می شود و از آنجا که با رشد تکنولوژی و ورود مشاغل مجازی نیاز سازمان ها به نیروی انسانی فیزیکی روز به روز در حال کاهش است بایستی رویکرد و نگرش احاد جامعه بویژه جوانان نسبت به کار شغل تغییر یابد و بجای آنکه در انتظار اقدامات دولت جهت ایجاد اشتغال باشند به رویکرد خود اشتغال زایی و کار آفرینی روی بیاورند و از دولت ها تنها انتظار بسته های حمایتی داشته باشند بنابراین یکی دیگر از نقش های دانشگاه در خصوص بازسازی اجتماعی تغییر نگرش جوانان نسبت به کار و شغل می باشد.

نتیجه گیری

در باب نقش دانشگاه ها در باز سازی اجتماعی آنچه که می توان گفت این است که مطابق نظریه باز سازی اجتماعی وظیفه دانشگاه ها به عنوان مراکز آموزشی، تشخیص بحران های جامعه و ایجاد شرایط و کمک به حل بحران مزبور توسط آحاد جامعه بویژه دانشجویان می باشد یعنی دانشگاه ها با انجام پژوهش های لازم و آماده نمودن ذهنی و عملی دانشجویان، برای حل بحران های جامعه می توانند نقش آفرین باشند در این مقاله نیز ابتدا بحران های امروزی جامعه دسته بندی گردید سپس با توجه به بحران های مزبور ۲۱ نقش از قرار زیر برای جامعه شناسایی شد.

۱- شناسایی، آموزش و هدایت گروه های مرجع جدید در راستای ارزشهای مطلوب جامعه اسلامی- ایرانی
 ۲- بازسازی ارزشهای گذشته و جدید هماهنگ کردن آن با ساخت ارزشی جامعه ۳- بازسازی الگوها و متون اسلامی ۴- تقویت حس و ایستگی به حاکمیت و عرق ملی ۵- توسعه و آموزش مهارت های زندگی متناسب با عوارض از ناشی از صنعتی و فرا صنعتی شدن ۶- تقویت کرسی های آزاد اندیشی ۷- بازسازی فرهنگ همزیستی بین گروههای مختلف قومی، مذهبی و زبانی ۸- توسعه و آموزش مهارت های زندگی متناسب با عوارض از ناشی از صنعتی و فرا صنعتی شدن ۹- تامین نیروی انسانی مورد نیاز در عصر اطلاعات و فناوری ۱۰- توسعه نرم افزاری در رسانه های نوین جهانی ۱۱- نهادینه نمودن رعایت قوانین و مقررات در جوانان و نوجوانان ۱۲- تقویت هنجارهای دینی و ارزشی و باز تعریف آنها ۱۳- تقویت روستا نشینی و در مقابل ایجاد نگرش منفی نسبت شهرنشینی ۱۴- تهیه طرح جامع روستا نشینی ۱۵- تغییر نگرش جوانان تحصیل کرده در خصوص کار و شغل ۱۶- آموزش کارآفرینی ۱۷- جذب و معرفی فارغ التحصیلان نخبه در بدنه علمی و اجرایی کشور ۱۸- تقویت خود باوری بومی در صحنه جهانی ۱۹- تقویت فرهنگ مصرف منابع طبیعی بویژه منبع آبی ۲۰- ایجاد تقویت فرهنگ اقتصاد مقاومتی در دانشجویان ۲۱- ایجاد نگرش زیست محیطی در دانشجویان.

The Role of Universities in Social Reconstruction

Abstract

The theory of social reconstruction is one of the intended theories in the major of education and training philosophy that have had significant influence on the education and training and the academic centers in the west. Based on this theory, the human beings transform into the social engineers that are able to program the evolution route and use the science and technology in the case of achieving the optimum goals. Thus, the academic centers should be question-centered and be aware of the society's matters. In this regard, the present study investigates the current crises of the society. Then, it suggests ۱۴ roles that the universities, the main centers for reconstructing the society, have to implement in order for resolving these crises; ۱- identifying, training, and guiding the new reference groups in the direction of society's optimum values; ۲- refining and rebuilding the past values and according them with new valuable creations in society; ۳- restructuring the Islamic patterns and texts; ۴- strengthening the sense of attachment to national and bias sovereignty; ۵- developing and training the life skills appropriate to the effects caused by industrialization and trans-industrialization; ۶- strengthening the free-thinking tables; ۷- restructuring the coexistence culture between different ethnic groups, religions, and languages; ۸- recruiting needed human source in the age of information and technology; ۹- establishing software in the modern world media; ۱۰- institutionalizing the respect for laws and regulation among adolescents; ۱۱- strengthening religious and valuable norms and redefining them; ۱۲- strengthening the viewpoint of rural life versus creation of negative attitudes toward urban life; ۱۳- preparing a comprehensive rural life program; ۱۴- changing the adolescents' attitudes toward occupations.

Keywords: Social Reconstruction, Crisis, University Role, Education and Training Philosophy.

منابع

- [۱] جلالی ، علی اکبر ، (۱۳۹۳). عصر مجازی چهارمین موج تغییر . قابل بازیابی <http://vista.ir/article>
- [۲] اسمیت ، ج.ز.(۲۰۱۴) بازسازی اجتماعی ، قابل بازیابی از سایت آکادمی تعلیم و تربیت با آدرس <http://www.academia.edu/۱۹۵۷۹۹۸/social-reconstrouom>
- [۳] صدقی، (۱۳۹۳) نگاهی بر رابطه تکنولوژی ، فرهنگ و اخلاق قابل دسترسی از www.hawzah.net/fa/magrat/۸۹/۳۴۲۱/۱۶۳۳۳:
- [۴] گو تک، جردال- (۱۳۸۰) مکاتب فلسفی و آراء تربیتی ، ترجمه محمد جعفر پاک سرشت . تهران ، انتشارات سمت
- [۵] سبحانی، علی محمد (۱۳۹۱) . بازسازی اجتماعی و آموزش و پرورش . قابل بازیابی از سایت <http://ali.sobhani۹۰.blogfa.com/post/۲۰>
- [۶] تافلر، آلون (۱۳۶۱). موج سوم ، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران : نشر نو
- [۷] معنوی پور، داود.(۱۳۸۹).فلسفه تعلیم و تربیت (رسالت مدرسه در رویکردهای فلسفی، عرفانی، روانشناختی و جامعه شناختی).تهران: دوران
- [۸] philips.d.c.(۱۹۹۵).the many faces of constructivism.amerivan educational research.nza.pp۵-۱۲
- [۹] نلر، جورج.(۱۳۷۹). انسان شناسی تربیتی (ترجمه محمدرضا آهنجان و یحیی قائدی) تهران : انتشارات آبیژ
- [۱۰] Toffler, Alvin, "The Third Wave", William Morrow and Company, Inc., ۵۴۴ p. ISBN ۰-۶۸۸-۰۳۵۹۷-۳, ۱۹۸۰.
- [۱۱] غفاری، غلامرضا و عادل ابراهیمی (۱۳۸۹). جامعه شناسی تغییرات اجتماعی ، تهران : نشر آگرا و نشر لویه
- [۱۲] ربیعی، علی (۱۳۸۷). بحران های اجتماعی ایران امروز، مجله جامعه شناسی ایران، دوره هشتم. شماره ۳ پاییز ۱۳۸۶. ص (۵۱-۸۰)
- [۱۳] روزنا جیمز، (۱۳۸۲). جهان آشوب زده ، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- [۱۴] ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی . تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی

- [۱۵] گزارش جامع از تاثیر مستقیم و غیر مستقیم تروریسم در ۱۶۲ کشور جهان، باشگاه نگاران. قابل دسترسی از طریق [http:// vista.ir/news/۱۸۷۸۰۲](http://vista.ir/news/۱۸۷۸۰۲)
- [۱۶] ظهوری حسینی، وحید(افغانستان و معضل جهانیاعتیاد . قابل دسترسی از سایت : [http:// iichs.org/foreing-policy-articles/afghanistan-va-mozal.clocx](http://iichs.org/foreing-policy-articles/afghanistan-va-mozal.clocx)
- [۱۷] آذین و پیر محمدی(۱۳۸۷)شیراز، فصلنامه (جامعه شناسی نهادهای)اجتماعی،دوره ۱ شماره ۱ زمستان ۱۳۹۲ص ۸۳-۱۰۲(-)
- [۱۸] دادگران، سید محمد(۱۳۷۷). مبانی ارتباطات جمعی، تهران: نشر فیروزه
- [۱۹] آذین، احمد و پیر محمدی، کبری، (۱۳۸۷). بررسی نقش رسانه های نوین با تاکید بر ماهواره و اینترنتبر هویت فرهنگی دانشجویان، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۷ ص ۱۳۹-۱۵۷
- [۲۰] حقیقی، محمدرضا(۱۳۹۱). بررسی تاثیر ماهواره بر هویت فرهنگی جوانان، مطالعات رسانه ای، دوره ۷ شماره ۳(۰)، پاییز ۱۳۹۱، ص ۵۱-۶۳
- [۲۱] عدلی پور، صمد؛ قاسمی، وحید و سید احمد میر تبار(۱۳۹۳). تاثیر شبکه اجتماعی فیس بوک بر هویت فرهنگی جوانانشهر اصفهان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هفتم، شماره ۱. بهار ۱۳۹۳ص ۲۸-۱
- [۲۲] جوادی یگانه، محمدرضا، عزیزی، جلیل، و محمدرضا انصاری(۱۳۹۲) رسانه های جمعی جهانی و هویت دینی در جوانان
- [۲۳] رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۸. «تغییر ارزش ها در آینه سینما و مطبوعات». نامه پژوهشی. سال ۴ شماره ۱۴ و ۱۵، ص ۳۰-۵.
- [۲۴] ربیعی، ۱۳۸۰، جامعه شناسی تحولت ارزشی،: نگاهی - رفتار رای دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران: فرهنگ و اندیشه
- [۲۵] گیدنز، آنتونی(۱۳۷۹)جهان رها شده گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب تهران: علم و ادب
- [۲۶] واترز، مالکوم(۱۳۷۹)جهانی شدن، ترجمه اسماعیل، انی گیوی و سیاوش مریدی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی
- [۲۷] منتظر قائم، مهدی(۱۳۸۴) نقش تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی در اشتغال جوانان : پیروی بر تجربه های جهانی و رهیافت هایی برای ایران، ارائه شده در دومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران در دانشگاه شیراز. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

- [۲۸] احسانی، مهرزاد؛ خالدی، هومن (۱۳۸۲). بهره وری آب کشاورزی تهران: انتشارات کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران
- [۲۹] پیران، صدیقه ؛ هنربخش ، نازلی (۱۳۸۷). بحران وضعیت آب در جهان و ایران، فصلنامه راهبرد، سال شانزدهم، شماره ۴۸، تابستان ۱۳۸۷، صص (۱۹۳-۲۱۲)
- [۳۰] حجازی، یوسف؛عربی، فائزه (۱۳۸۷). عوامل موثر در جلب مشارکت سازمان های غیر دولتی در حفاظت محیط زیستف مجله محیط شناسی، سال سی و چهارم شماره ۴۷، صص (۱۰۶-۹۹)
- [۳۱] احمدی، علی؛ حاجی نژاد، علی (۱۳۸۹). تخریب محیط زیست مانعی در برابر توسعه پایدار، ارائه شده در چهارمین کنگره بین المللی جغرافی دانان جهان اسلام، زاهدان: فروردین ۱۳۸۹
- [۳۲] امینی، محمد نی (۱۳۹۱). نقش دین در پیشگیری از آسیب های اجتماعی، سخن صبا شماره ۹ و ۸
- [۳۳] کامرانی راد، سید امیر حسین (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری برگرفته از

سایت: [http:// rasekhoon.net/articl](http://rasekhoon.net/articl)